

یسادکارنامہ استاد جواد حمیدی

به كوشش
دکتر ذہبا عبیدی



پژوهشگاہ هنر

- سرشناسه : عبدی، ناهید ۳۶۳ :
- عنوان و نام پدیدآور : یادگارنامه استاد جاسس به کوشش ناهید عبدی.
- مشخصات نشر : تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، پژوهشکده هنر، ۱۳۹۶.
- مشخصات ظاهری : ۲۱۴ ص.: مصور (بخشی رنگی)، جلدی.
- شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۴۵-۱۰-۹ :
- وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
- یادداشت : کتابنامه.
- موضوع : حمیدی، جواد، ۱۲۹۷-۱۳۸۰ — یادنامه‌ها
- موضوع : نقاشان ایرانی — قرن ۱۴
- موضوع : Painters—Iran—۲۰th—century :
- شناسه افزوده : فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران. پژوهشکده هنر
- رده‌بندی کنگره : ND۹۸۹/ح۸ع۲ ۱۳۹۶:
- رده‌بندی دیویی : ۷۵۹/۵۵ :
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۶۲۱۴۸۳ :



پژوهشکده هنر

پژوهشکده هنر

یادگارنامه استاد جواد حمیدی

نویسنده: ناهید عبدی

(عضو هیئت علمی پژوهشکده هنر)

صفحه‌آرا: طیبه ایللیات

طراح جلد: ونوس وحدت

چاپ اول: ۱۳۹۶

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

چاپ: آذین

قیمت سیاه و سفید: ۱۶۰/۰۰۰ ریال

قیمت رنگی: ۳۵۰/۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۶۴۵-۱-۹

پژوهشکده هنر در راستای برآورده ساختن نیازهای هنری جامعه، کتاب حاضر را در اختیار علاقه‌مندان حوزه پژوهشی و هنری قرار داده است.

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

نشانی: خیابان ولیعصر (عج)، بالاتر از تقاطع امام خمینی (ره)،

نیش کوچه شهید حسن سخنور، پلاک ۲۹

تلفن: ۶۶۹۵۶۱۹۰-۲ نمابر: ۶۶۴۸۰۹۴۵ کدپستی: ۱۱۳۷۶۳۸۱۱

سخن ناشر

ایران با سابقه‌ای درخشان و چشمگیر در فرهنگ و تمدن، میراثی گرانبها از دانش، حکمت، ادب و هنر به پا ساخته و در گذر زمان، روابط و تعاملات فرهنگی بسیار گسترده‌ای با تمدن‌های بزرگ خاور و باختر داشته است. این روابط بینا فرهنگی در دوره اسلامی و پیش از آن، زمینه‌ساز تعاملات گسترده‌ای در حوزه هنر بوده است. ایرانیان از یکسو هر آنچه با دین و آیین و نیازهای بومی فرهنگی و اجتماعی‌شان سرگار بوده است آگاهانه و هوشمندانه از فرهنگ سایر ملل دریافت کرده‌اند و از سوی دیگر همواره نقش عمیق و مؤثری در فرهنگ و هنر جوامع مختلف داشته‌اند.

جریان‌های فکری و اندیشه‌ورزی‌های تمدن‌ساز همواره در بستر تلاش روشمند، مسئله‌محور و هدفمند دانشمندان، پژوهشگران و فرهیختگان جوامع شکل گرفته است. بی‌شک دستاوردهای مادی و معنایی تاریخ بشر حاصل هم‌افزایی دانش و پژوهش اندیشمندانی است که با هم‌فکری و هم‌اندیشی به نشر دستاوردهای پژوهشی خود پرداخته و الگوها و روش‌هایی بدیع و خلاقانه برای تبیین مسائل دنیوی و اخروی و رشد فضیلت‌های انسانی ارائه داده‌اند.

هنر که یکی از مؤلفه‌های اساسی ظهور و بروز فرهنگ‌ها و تمدن‌هاست،

جایگاه ویژه‌ای در تعاملات زیستی و فرهنگی انسان‌ها داشته و نقشی محوری را در پیشرفت و تعالی یا انحطاط و انحراف جوامع ایفا کرده است. هنر هر جامعه‌ای در بستر فکری و فرهنگی، دینی و اعتقادی و مطابق با شرایط تاریخی، اجتماعی و جغرافیایی آن جامعه شکل می‌گیرد و مطالعه، تحقیق، و نظریه‌پردازی در حوزه فرهنگ و هنر، قلمرو بسیار گسترده، متنوع و پربادیه‌ای را پیش روی پژوهشگران و علاقمندان هنر می‌گشاید. با این حال چنین فعالیت‌هایی مستلزم بسترهای فکری و معرفتی، زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اصول ساختاری و روشی، و منابع مادی و معنوی است که جامعه و نهادهای اجتماعی برای محققان و اندیشمندان فراهم می‌سازند، زیرا مطالعات و پژوهش‌های پردامنه، روشمند، منسجم و مستمر، و آگاهی از نتایج تحقیقات، بجز آن، بدون تحقق این بسترها و زمینه‌ها حاصل نمی‌شود.

نتایج و دستاوردهای نظری و عملی چنین مطالعات و پژوهش‌هایی، راه‌های جدید و روشنی را در رشد معرفتی و فرهنگی افراد بشر و بسط تعاملات اجتماعی و فرهنگی فرارو می‌نهد و پیش‌ها، نگرش‌ها و چشم‌اندازهای نویی را پیش روی هنرجویان و هنرپژوهان می‌گذارد. از این رو، توجه به مطالعه، پژوهش، نقد و نظریه‌پردازی در حوزه سر بر اساس نیازهای بومی از نیازهای اساسی حیات فرهنگی ایران اسلامی به شمار می‌آید که نبود آن منجر به فهم نادرست، تکرار یا پیروی از نظریه‌های غیر بومی در پژوهش‌ها و مطالعات هنر ایرانی-اسلامی و غفلت از نیازها، تعلقات و پیشینه تاریخی خویش می‌شود.

پیوند عمیق میان عمل و نظر، یا به تعبیری حکمت عملی و حکمت نظری، در سنت فرهنگی این مرز و بوم ریشه‌دار و نهادینه بوده است. اما در

دهه‌های اخیر، یکی از آسیب‌های جدی فعالیت‌های هنری شکاف میان نظر و عمل بوده است. لذا، مطالعات نظری و فعالیت‌های پژوهشی باید به عنوان بخشی تفکیک‌ناپذیر در سیاستگذاری فرهنگی و هنری مورد توجه قرار گیرد. پژوهشکده هنر (وابسته به فرهنگستان هنر) در برای تمهید و گسترش زمینه‌های مطالعات و پژوهش‌های بنیادین، توسعه‌ای و کاربردی در حوزه هنر، نقد و بررسی و آسیب‌شناسی پژوهش‌های هنری بر اساس معیارهای متعارف، جوامع علمی و پژوهشی، و ایجاد بسترهای ارائه نظریه‌های کارآمد هنری، متناسب با نیازها و ارزش‌های دینی، ملی و بومی جامعه ایرانی، با دعوت از استادان و پژوهشگران فرهیخته و پرتلاش حوزه فرهنگ و هنر، بر آن است که به نشر آثار و منابع تخصصی و عالمانه در قلمرو هنر بپردازد. کتاب یادگارنامه استاد جو حمیدی تلاشی است در جهت نشر آگاهی، دانش و بسط مطالعه و پژوهش. امید است این کتاب، برای صاحبان خرد و دانایی و فرزاندانی و علاقمندان به فرهنگ و هنر این مرز و بوم به‌ویژه هنرجویان و هنرپژوهان، مفید و راهگشا باشد.

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه
۲۱	زندگینامه و مروری بر آثار
۲۳	گاه شمار تنبیهی زندگی استاد جواد حمیدی / دکتر ناهید عبدی
۴۷	گاه شماری
۵۱	گزیده اشعار
۶۱	گفتگو با استاد
	سخنان استاد - بی‌همان با برپایی نخستین دوسالانه نقاشان ایران در موزه
۶۳	هنرهای معاصر
۸۱	مقالات
۸۳	هنرمندی جهانی با اصالت ایرانی / دکتر حبیب الله آیت‌اللهی
۹۱	تریلوژی استاد جواد حمیدی: معلم، دوست، نقاش / استاد مهدی حسینی
۱۰۵	خاکستری‌های رنگین، شرحی بر قصه اتساعی یک رنگ / دکتر محمدعلی رجبی
	خصیلت‌های سه‌گانه هویت ایرانی - اسلامی، حاضر بودن و متعهد بودن در آثار
۱۳۱	نقاشی دکتر جواد حمیدی / دکتر علی اصغر شیرازی
۱۷۱	جواد حمیدی، هنرمندی فراتر از مدرک و مکتب / علیرضا اسماعیلی
۱۸۷	گزیده آثار

با تأسیس دانشکده هنرهای زیبا به سال ۱۳۱۸، آموزش هنر در ایران، که تا پیش از آن به شیوه استاد و شاگردی اداره می‌شد، وارد مرحله جدیدی شد. دانشکده تازه تأسیس بر اساس الگوی مدرسه بوزار پاریس برنامه‌ریزی شد. این تاریخ را می‌توان نقطه آغاز «آکادمی» در هنر ایران دانست، در حالی که هرگز پیش‌زمینه چنین تحولی آماده نشده بود و جامعه هنری آن زمان نیز نه تنها تجربه و تعریفی از آکادمی نداشت بلکه شاید آمادگی پذیرش و درک چنین مفهومی را هم نداشت. جهت رفع این نقصان با فاصله اولین فارغ‌التحصیلان دانشکده به خدمت دانشگاه درآمده و برآمده حاصل و فراگیری روش و چارچوب آکادمی و کسب تجربه به فرانسه اعزام شدند. استاد حمیدی در زمره همین افراد است. ایشان به مدرسه کمال‌الملک وارد شدند و با اتمام این مدرسه در دانشکده تازه تأسیس جزو اولین فارغ‌التحصیلان دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران بود و با اتمام دوره لیسانس به استخدام دانشکده درآمد و در فاصله زمانی کوتاهی به فرانسه اعزام شد.

دسترسی به تاریخ تحولات آن دوران بر اساس مدارک متن، در جهت گسترش پژوهش‌های تحلیلی، اصلی بنیادی محسوب می‌شود. این در حالی است که درک ما از این رویدادها غالباً بر گزارشات پراکنده و بر پایه نقل قول‌های شفاهی استوار است. واقعیت این است که حتی برای تاریخ‌ها نیز مدارک قطعی در دست نیست. برای مثال، حتی تاریخ ادغام مدرسه کمال‌الملک

و مدرسه عالی معماری و تشکیل هنرکده یا همان دانشکده هنرهای زیبا در متون مختلف از هم متفاوت است. از این رو، درک تحولات تاریخی این دوران از راه‌های پیچیده‌تری گذر می‌کند. پژوهش‌های نوین تاریخی دیدگاه‌های جدیدی را برای پُر کردن خلاء موجود در زمینه آگاهی از گذشته پیشنهاد کرده‌اند. پژوهش درباره تاریخچه زندگی افراد و مطالعه انعکاس رخدادهای مورد نظر از طریق زندگینامه‌ها در درک پژوهشگران حوزه تاریخ در روشنگری مطالب تاریخی ناقص یا یک جانبه مؤثر بوده و در جهت رفع خلاء و ابهامات موجود مورد توجه قرار گرفته و اعتبار به سزایی یافته است. با این رویکرد توجه به زندگینامه استادان و هنرمندان معاصر ایران جهت رفع خلاءهای اطلاعاتی نه تنها مهم است بلکه واجد ارزش‌های اخلاقی نیز خواهد بود.

استاد جواد حمیدی از نسل اول هنرمندان نوگرا و از استادان آموخته آکادمی است. او از ۱۳۲۴ تا پیدار امر، یعنی قریب به شش دهه، در عرصه هنر معاصر ایران و نیز امر آموزش دانشگاهی هنر حضور مستمر و فعال داشته است. همین امر موجب جایگاه متمایز ایشان در زمینه مطالعات تاریخ هنر معاصر محسوب می‌شود و از چندین جنبه در جهت پُر کردن خلاء آگاهی ما از چگونگی شکل‌گیری و تحول هنر و شیوه آموزش در کشور واجد اهمیت است. از سوی دیگر مطالعه زندگی و آثار او علاوه بر کمک به درک ما از یک دوره تاریخی، به واسطه پیوستگی حضور در امر آموزش، زوایای جدیدی را در مطالعه هنر معاصر ایران خواهد گشود. بی‌تردید مطالعه میراثی که او از این راه به چندین نسل انتقال داده است، اهمیت ویژه دارد.

او به واسطه خاستگاه خانوادگی در متنی آشنا با ارزش‌ها و جهان‌بینی دیرپای ایرانی-اسلامی پرورش یافت، در آکادمی تعلیم دید و با دانش‌های نوین آشنا شد و سپس عصاره همه تجربیاتش را در امر آموزش به کار بست.

استاد حمیدی از زمره نسلی از استادان است که نه تنها به ارزش جایگاه پرورش از طریق آموزش واقف است بلکه به شدت بدان پایبند و راسخ است. او آموزش هنر را همچون طریق سلوک به کار می‌بندد. به واسطه تسلط بر متون فرهنگ و ادب فارسی، و انس و الفت با قرآن، و همچنین آشنایی با دستاوردهای مطالعات و جریان‌های فکری جهان و آمیختن به جا و صحیح و حتی بسیار شیرین، دل‌انگیز و هنرمندانه این سه با هم، آموزش هنر را به راهی و دستاویزی برای تذکار و انتقال ارزش‌های متعالی انسانی، اخلاقی و فرهنگی بدل می‌کرد. خستگی‌ناپذیر دل به این راه داده بود. او در تدریس و تفهیم مضامین و مفاهیم سنگین و دست‌نیافتنی همچون یک کیمیاگر، هستی‌فراستی پدیده‌ها را به مری و روستی بدل کرده و فراروی دانشجویان قرار می‌داد.

اصول هنر، اجزای مرئی و خلاقیت و نوآوری نزد استاد حمیدی مشخص و معلوم است و این اصول را در سبک‌ها و سبک‌های گوناگون بیان کرده و شرح داده است. قصدم از بیان این سبک‌ها یا آوری خاطره‌استادی گرانمایه نیست بلکه از این طریق قصد دارم بر اهمیت مطالعه و تجزیه و تحلیل زندگی و آثار نسلی که پایه‌های امروز ما بر تجربیات آن‌ها بنا شده تأکید کرده باشم. بر این باورم که امروز و فردای جامعه هنری ما در گرو گسترش و تعمیق این مطالعات است. این مفهوم را از استاد حمیدی وام می‌گیرم که «زمانی شاهد برومندی و قوت و قدرت هنر در کشورمان خواهیم بود که آنجا که از دنیا در اختیار گرفته‌ایم، با شخصیت، محیط، اصالت، مکتب، و حساسیت‌های خودمان وفق داده باشیم» و این مهم عزم و اراده جمعی می‌طلبد؛ همان چیزی که استاد طی شصت سال کار و فعالیت تذکر داد و انتظار آن را کشید و در جایی به صراحت آن را بیان کرده‌اند که: «... متأسفانه ما در کشورمان همیشه شاهد حضور هنرمندان به گونه‌ای فردی بوده‌ایم و هیچ وقت با جمعیتی از آنان

برخورد نکرده‌ایم، که در اثر بحث و تبادل نظر به تئوری جدیدی دست یافته باشند و با کار بر روی آن بروز حادثه‌ای را در عالم هنر موجب شده باشند. در دانشگاه‌های کشور هم با همین معضل مواجه هستیم...»

نکته دیگری که استاد همواره در جهت ارتقاء سطح هنر بدان تأکید داشته‌اند مسئله نقد و جایگاه منتقد هنر است. به بیان ایشان: «...منتقد در فراز و نشیب‌ها، افراط و تفریط‌ها هنرمند را یاری و از افتادن به بیراهه نجات می‌دهد. اثر را قضاوت می‌کند و پس از بررسی، ارزش‌ها را تمیز داده و دیگران را شریک در بهره‌برداری می‌نماید هرچه بیشتر تعادل و بررسی شود جاف‌تر و پایداری خواهد شد...» همچنین آرزو داشتند روزی در دانشگاه‌ها رشته‌ای به نام نقد دایر شود. مؤخره که هنوز تحقق نیافته است. دو نکته اخیر می‌تواند به عنوان کلید توسعه پایدار هنر در کشور در نظر گرفته شود.

تلاش حاضر مقدمه مختصر و تنها تذکری بر اهمیت و ضرورت توسعه پژوهش‌های دامنه‌دار در زمینه مستندات گرافیک و تبیین هنر معاصر است. این مهم بررسی دقیق‌تر و موشکافانه‌تر مستندات موجود را نیز طلب می‌کند. به طرزی غیر قابل باور تقریباً تمامی مستندات موجود ناقص و نارسا و ناقص و عاری از دقت‌اند و دسترسی به همین اطلاعات نادرست نه گاه امکان‌پذیر نیست. هماهنگ‌سازی مستندات موجود و نیل به نتیجه‌ای قابل اتکاء توجه، همت، تلاش، و حمایت جدی می‌طلبد.

در پایان از استادان گرامی که با ارائه مقاله بر غنای این مجموعه افزوده و گوشه‌هایی ناگفته از زندگی استاد را گشودند، نهایت سپاس را دارم. با توجه به این مهم که بخش اعظم آخرین آثار استاد حمیدی به گنجینه فرهنگستان هنر تعلق دارد، یکی از چالش‌های این پروژه فقدان عکاسی حرفه‌ای و مستندسازی از آثار و نیز عدم دسترسی به گنجینه قبل از نمایش عمومی آثار بود. از آقایان

دکتر سید حسین (ایرج) معینی و مهندس امیر احمد معینی که به طور افتخاری و در نهایت شکیبایی و سخاوت قبول زحمت کرده و عکاسی حرفه‌ای آثار را همزمان با برقراری نمایشگاه به انجام رساندند کمال امتنان و قدرشناسی را دارم. همچنین، از همکاران پژوهشکده هنر و دیگر دوستان که در جمع‌آوری اطلاعات یاری دادند، قدردانی می‌نمایم. گرچه دسترسی و آگاهی از آثار محفوظ در موزه‌ها و مجموعه‌ها واجد مذاکرات بسیار بوده، از همکاری موزه هنرهای معاصر تهران، موزه امام علی، موزه شهدا، مرکز حفظ و نشر آثار امام خمین (ره)، گالری شیث و مساعدت ویژه دانشکده هنر دانشگاه شاهد و در نهایت از همکاران مهمه حانیه فرهنگستان هنر، حوزه معاونت پژوهشی و موسسه فرهنگی هنری و اسپاسگزاری و قدرشناسی می‌نمایم.

ناهید عبدی

پژوهشکده هنر